

انتشار کتاب تازه

"لیگاجف"

دبیر دوم حزب کمونیست

اتحاد جماهیر شوروی

بهروز بکتاشی

ایگور لیگاجف، دبیر دوم حزب کمونیست اتحاد شوروی در دوران اولیه رهبری گورباچف، اخیراً کتابی در باره حقایق اتحاد شوروی و جعلیات درباره آن منتشر کرده است. بخش هائی از این کتاب را به تدریج ترجمه و منتشر خواهیم کرد. لیگاجف در مقدمه کتاب خود می نویسد:

حکومت اولیگارشى در روسیه بسیار تلاش می کند تا شوروی سابق که عبارت بود از دوران سازندگی و دستاوردهای شگرف را از شعور و خاطره توده ها بزدايد. با چه انگیزه ای به این عمل دست می زند؟ برای ادامه استثمار و نابودی توده ها، حفظ قدرت و مالکیتی که از خلق ربوده اند و همچنین دفن تمدن شوروی.

از طریق:

- کم اهمیت جلوه دادن نقش انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، جنگ داخلی تحمیل شده به دولت جوان شوروی، پس از انقلاب.

- آنها در ادامه همین ستیز روی "ترور سرخ" تبلیغ می کنند و این که کمونیست ها جنایت کردند و همزمان با این ترفندها، رد پای خونین سرمایه داری جهانی در تمام این حوادث را پاک می کنند.

- جعل واقعیات مربوط به کالخوزها و ساوخوزها،

- برخورد "وحشیانه" بلشویک ها و حکومت شوروی نسبت به مذهب و غیره،

- انکار حقایق در باره کمونیسم و کاپیتالیسم،

اما واقعیات چیست؟

واقعیات اینست که انقلاب اکتبر تا حدود بسیاری جامعه بشری را به پیش راند و **مشعلی** را برافروخت که خاموشی آن امکان پذیر نیست. این انقلاب پایه تمدن نوینی را پی ریزی نمود که جهان می تواند بسوی آن به حرکت در آید. جواهر لعل نهرو رَجُل برجسته سیاسی و دولتی هندوستان می گوید "هیچ غباری توان ایستادگی در برابر انوار حقیقت را ندارد"

وقتی، امروز و علیرغم همه ضرباتی که بر اثر متلاشی شدن اتحاد شوروی بر جنبش کمونیستی جهان وارد آمده، همچنان کمونیست خواب آشفته کاپیتالیسم و امپریالیسم جهانی است، خود گویای زنده بودن انقلاب اکتبر است.

موج جدید آنتی کمونیستی را در اروپا سازمان داده اند. بسیار تلاش می شود تا در مقیاس جهانی کمونیسم مترادف "جنایت" به کار برده شود. از دل همین موج جدید تلاش برای جلوگیری از فعالیت احزاب کمونیست، به دادگاه کشاندن رهبران و فعالین کمونیست مطرح می شود. آیا کمونیست ها و هوادارن آنان می توانند در برابر حمله نوین امپریالیسم سکوت کنند؟ قبل از پاسخ به این پرسش بایستی خاطر نشان کنم، که حمله نوبتی نیروهای متخاصم به معنای آن است که جنبش جهانی کمونیستی پس از شکست موقت سوسیالیسم در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی درحال ترمیم زخم های خود است و نفوذ احزاب کمونیست در سراسر جهان در حال رشد است.

ما می توانیم در برابر سیل دروغ و بهتان علیه کمونیسم بایستیم و سخن بگوئیم. در باره دستاوردهای عظیم اتحاد شوروی در ساختار تمدن نوین سوسیالیستی و جامعه بدون استثمار. جایی که دموکراسی حقیقی مردمی بوجود آمد و زندگی مردم زحمتکش بهبود یافت.

کاپیتالیسم در پروسه استثمار و یوغ استعماری رنج و عذاب بسیاری را به توده های مردم تحمیل کرد. دریای خون و اشک جاری شد و موجب مرگ صدها هزار انسان در ویتنام، یوگسلاوی و عراق شد. دولت های امپریالیستی با استفاده از تمامی شیوه ها، از جمله جنگ ها، فشار سیاسی و اقتصادی سعی می کنند کشور های مستعمره سابق را در سیستم کاپیتالیسم حفظ کنند و مانع رشد و شکوفائی این کشور ها شوند. کاپیتالیسم با استثمار و غارت وحشیانه مواد خام جهان، بویژه در مستعمرات سابق و نابودی محیط زیست خطر جدی را متوجه بشریت می سازد. سالانه صدها میلیون تن مواد مضر به اتمسفر زمین اضافه می شود.

در روسیه کنونی جنایات کاپیتالیسم قابل مشاهده است. آنچه را که مربوط می شود به دموکراسی، حقوق و تضمین های اجتماعی در روسیه کنونی، میتوان گفت که تحصیل و خدمات پزشکی دیگر مانند دوران سیستم سوسیالیسم رایگان نیست. توده های عظیم مردم بیکار و در فقر بسر می برند. سوسیالیسم که اساس آنرا مالکیت عمومی بر وسائل تولید و شیوه برنامه ریزی مدیریت تشکیل می دهد، بمثابة مرحله اولیه کمونیسم در اتحاد شوروی، خلق های روسیه را از خشم تزاریسیم رهانید و به آنان دولت ملی، تحصیل ملی، اقتصاد ملی نیرومند و فرهنگ ملی را هدیه نمود و تمامی امکانات زندگی را برای مردم زحمتکش فراهم ساخت.

منتقدان اتحاد شوروی از خود سؤال کنند که چرا "دمکراتها" در غرب به بررسی و محکوم کردن جنایات واقعی کاپیتالیسم نمی پردازند؟ چرا منتقد خطراتی که نظام امپریالیستی برای بشریت و زمین بوجود آورده نمی شوند؟

راه توده ۱۳۴ ۲۸,۰۵,۲۰۰۷